

## بررسی عوامل برون سازمانی موثر بر افزایش مطالبات غیرجاری بانک ها

نویسنده: محمدعلی محترم

معاون مدیریت شعب استان خراسان جنوبی  
کارشناس ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی

[m.mouhtaram@ttbank.ir](mailto:m.mouhtaram@ttbank.ir)

[ali.mohtaram@yahoo.com](mailto:ali.mohtaram@yahoo.com)

## چکیده

یکی از مشکلاتی که کشورهای مختلف از جمله ایران در شرایط فعلی با آن روبه رو است، افزایش مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول بانک ها نسبت به کل تسهیلات اعطایی در شبکه بانکی است که بیانگر کاهش کیفیت دارایی های این شبکه است. این تحقیق از نظر روش، جزء تحقیق های همبستگی است که رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق، تحلیل می گردد. داده های اطلاعاتی مرتبط با بانک ها (کل تسهیلات اعطایی، مطالبه های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول، جمع دارایی ها، سود خالص و میزان سپرده ها) از اطلاعات منتشره توسط موسسه عالی بانکداری ایران و اطلاعات مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی) از نماگرهای اقتصادی منتشره توسط بانک مرکزی استخراج شده است.

در این پژوهش با بررسی عوامل برون سازمانی موثر بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها این عوامل را دسته بندی کرده و تاثیر هر یک را سنجیدیم. نتایج بدست آمده نشان داد رشد تولید، تورم، کیفیت مدیریت و خطرات اخلاقی همگی می توانند بر ایجاد مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر بگذارند.

**کلمات کلیدی:** بانک، تورم، رشد تولید، اقتصاد، کیفیت مدیریت

## ۱- مقدمه

نظام بانکی در هر کشور برای اجرای مدیریت پولی می تواند بهترین نقش را ایفا نماید؛ بدین منظور تأمین و تجهیز منابع مالی، چگونگی مصرف منابع جذب شده و نحوه بازگشت مجدد آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است پرداخت نشدن دیون در سررسید توسط بدهکاران می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. با قطع نظر از دلیل، این عدم پرداخت آثار منفی زیادی بر روابط مالی جامعه می گذارد که مهم ترین آنها سلب اعتماد عمومی، کاهش معاملات مدت دار، کاهش توان تسهیلات دهی و سودآوری بانک ها، کاهش روح تعاون و همکاری بین افراد و نظام بانکی است. (موسویان، ۱۳۸۵: ۹۸)

بر این اساس، ضروری است فقها، حقوق دانان و کارشناسان بانکی با مطالعه دقیق بر روی علل و عوامل تأخیر در پرداخت و آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن با رعایت موازین فقهی و مصالح بانک ها و جامعه راهکارهایی عملی برای حل مشکل پیدا کنند. یافتن ریشه های این مشکل به منظور جلوگیری از رشد مطالبات در تسهیلات اعطایی و یا وصول آنها به صورت بالقوه و بالفعل، امکانات ایجاد درآمد جدید را افزایش داده و توان برنامه ریزی این مؤسسات را در رابطه با مصرف منابع و کسب درآمد بالاتر فراهم خواهد ساخت. در ایران بانک ها، بزرگ ترین نهاد مالی بوده و اعتبارها رگ حیات سیستم بانکی و تمامی واحدهای اقتصادی می باشد. همچنین توزیع اعتبارها برای هر دو بخش متأثر از سیاست های کلان اقتصادی، بخصوص در حوزه مالی و پولی هستند. از آنجا که بانک های کشور از لحاظ سرمایه بیشتر دولتی هستند. در نتیجه اولین توجه به منظور تأمین منابع به سوی بانک ها معطوف می شود. افزایش

مطالبات غیر جاری، موجب عدم تحقق اهداف ارائه تسهیلات بانکی در جهت رشد اقتصادی کشور و اتلاف منابع می گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵)

منابع پولی، خلاصه « تخصیص » و « تجهیز » بخش عمده فعالیت های بانکی را می توان در دو عنوان کلی نمود. چنانچه یک بانک در بخش تأمین منابع موفق بوده و با ورود به بازار بتواند منابع متنابهی را جمع آوری نماید، نمی توان از آن بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی کارا و موفق تعبیر نمود، چرا که به موجب اصالت بانکداری، بایستی حلقه دوم تکمیل گردیده و بخش مصارف نیز همسو و همزمان با رشد منابع، رشد و توسعه یابد. این رشد و توسعه می بایست هم از بعد کمی و هم از بعد کیفی ارتقاء یابد. در بعد کمی، بانکی موفق تلقی می گردد که بیش از ۷۰ درصد و گاهی تا ۸۰ درصد از منابع جمع آوری شده را به تسهیلات اعطایی اختصاص دهد. به لحاظ کیفی نیز عواملی نظیر: تنوع جغرافیایی و بخشی، کیفیت بررسی و نظارت، پوشش ها و ضمانت های مالی و ظرفیت های فنی و اعتباری و ... مورد توجه قرار می گیرد. لاجرم بانک ها می بایست به منظور پاسخگویی به انتظارات و مطالبه های موکلان خویش (سپرده گذاران) و همچنین اکتساب سود، بخش عمده ای از منابع خود را به صورت اعتبارهای اعطایی به مشتریان تخصیص دهند. شایان ذکر است از آنجا که بازارهای سرمایه کشور ما را نیز بایستی از جمله بازارهای مالی کمتر توسعه یافته تلقی نمود، این امر مسئولیت بانک ها را دو چندان می سازد (ابوالحسنی، ۱۳۸۹: ۳۴)

هرچند در زمان اعطای اعتبار بررسی های لازم از سوی بانک به عمل می آید و پس از حصول اطمینان از توجیه پذیری طرح مورد نظر، موضوعاتی نظیر کشش ها و ظرفیت های فنی، مالی و اعتباری متقاضی با دقت نظر بسیاری ارزیابی می گردد و سپس وثایق مورد نیاز دریافت می گردد. لیکن در موارد متعددی، دریافت کنندگان اعتبار قادر به ایفای تعهدهای خود در سررسید مورد نظر نبوده و به همین لحاظ یکی از اصلی ترین چالش های بانک از این نقطه آغاز میگردد. نظر به اهمیت این موضوع در کلیه کشورها، مقامات نظارتی بانکی باملاحظه کیفیت اعتبارات پرداختی، وثاق تودیع شده و همچنین مدت زمان عدم بازپرداخت تسهیلات، مقرراتی را وضع نموده و هر یک تقسیم بندی ها و الزاماتی را به منظور کاهش ریسک مربوطه ارائه نموده اند. در کشور ما طبقه بندی تسهیلات غیر جاری در حال حاضر به شرح ذیل میباشد:

- تسهیلات جاری: تا دو ماه از سررسید اصل یا اقساط آن گذشته باشد.

- تسهیلات سررسید گذشته: بین دو تا شش ماه از سررسید اصل یا اقساط آن گذشته باشد.

- تسهیلات معوق: بین شش تا هجده ماه از سررسید اصل یا اقساط آن گذشته باشد.

- تسهیلات مشکوک الوصول: بیش از هجده ماه از سررسید اصل یا اقساط آن گذشته باشد.

(بخشنامه شماره ۱۲/۱۱/۱/۳ ب ر مورخ ۹۰/۲/۲۳ بانک مرکزی تحت عنوان طبقه بندی داراییها و نحوه محاسبه ذخیره مطالبه های

بانکها و مؤسسه های اعتباری)

بدیهی است عوامل متعددی در معوق شدن بازپرداخت تسهیلات اعطایی نقش خواهند داشت که برخی از این عوامل، فاکتورهای بیرونی و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، بحران های مالی، تغییر نرخ ارز میباشد. برخی دیگر عوامل ماهیتی وام نظیر، نرخ بهره، میزان و کیفیت وثایق دریافتی، پوشش های بیمه ای، کیفیت رفتاری و اعتباری مشتری و ... میباشد و در نهایت برخی عوامل نیز به کیفیت اعتبارسنجی بانک، حجم تسهیلات اعطایی بانک، تغییر در داراییها و سرمایه بانک، کیفیت مدیریت و عملکرد مدیران بانک، اندازه بانک در سیستم بانکی و ... مربوط میگردد (ابوالحسنی، ۱۳۹۰) در واقع می توان گفت که مطالبه های معوق از طرف گیرندگان تسهیلات، زاییده دو بخش است: یکی بخش ارادی و اختیاری فرد وام گیرنده بخش دیگر تحت تأثیر عوامل خارج از حیطه اختیار وام گیرندگان که میتوان به شرایط کلان اقتصادی و مالی نظیر تورم، نرخ ارز، نرخ سود و... اشاره نمود. این عوامل در نهایت در کنار برخی عوامل دیگر نظیر عملکرد بانک در اعطای تسهیلات، نحوه اعتبارسنجی بانک، حجم تسهیلات اعطایی بانک، تغییرها در دارایی ها و سرمایه بانک و سایر عوامل مختص بانکی مهمترین عوامل موثر بر مطالبه های غیر جاری بانکها را تشکیل میدهند. دلایل مختلفی برای افزایش مطالبه های غیر جاری در سیستم بانکی توسط پژوهشگران مختلف ذکر شده است. برخی از پژوهشگران به تأثیر عوامل اقتصاد کلان بر نوسان های مطالبه های غیر جاری اشاره کرده اند و برخی نیز به تأثیر عوامل مختص بانکی پرداخته اند. با این حال به نظر می رسد تحت تأثیر هر دو گروه از این عوامل قرار می گیرد. مقاله حاضر به بررسی عوامل و مؤلفه های مؤثر برون سازمانی بر افزایش مطالبات غیر جاری در سیستم بانکی کشور می پردازد و سؤال اصلی این مقاله این است که چه عواملی از بعد اقتصاد کلان و عوامل مختص سیستم بانکی بر افزایش مطالبات غیر جاری در سیستم بانکی تأثیر میگذارند؟

## ۲- ادبیات تحقیق

### ۲-۱- مبانی نظری

مروری بر وضعیت مطالبه های غیر جاری سیستم بانکی براساس آماره های منتشره توسط موسسه عالی بانکداری نشان می دهد که نسبت مطالبه های غیر جاری در سال های اخیر سیر صعودی داشته و به خصوص در فاصله سال های ۸۵ تا ۸۸ به صورت لجام گسیخته ای افزایش یافته است به عنوان مثال حجم کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در پایان سال ۸۲ رقمی در حدود ۴۹۳,۱۶۸ میلیارد ریال بوده است که از این میزان ۲۱,۳۰۲ میلیارد ریال آن معوق گردیده است یعنی ۴,۳ درصد. این ارقام در پایان سال ۸۵ به ترتیب ۱,۵۳۱,۷۸۲ میلیارد ریال و ۲۰۱,۵۰۸ میلیارد ریال بوده که نسبت آن نیز در حدود ۱۳,۱ درصد می باشد همچنین شاخص های آماری در پایان سال ۸۸ بیانگر ارقام ۲,۳۱۲,۱۰۴ میلیارد ریال و ۴۲۷,۵۴۶ میلیارد ریال می باشد که نسبتی معادل ۲۰,۳ درصد را برای مطالبات غیر جاری نشان می دهد لازم به ذکر است در سال ۸۹ به علت ساماندهی بخشی از مطالبه های غیرجاری بانک ها براساس بخشنامه مورخ ۸۸/۸/۱۸ بانک مرکزی این میزان روند نزولی داشته است

در بررسی و ارزیابی ساختار ریسک ترازنامه بانک ها ، یکی از عواملی که به میزان بسیار زیادی مورد توجه قرار می گیرد کیفیت تسهیلات اعطایی است این امر در ارزیابی ورتبه بندی بانک ها توسط موسسه های داخلی و بین المللی ملاک عمل قرار می گیرد . بررسی عوامل تعیین کننده ریسک اعتباری واقعی یکی از موضوع های بسیار مهم برای مقام های نظارتی در ارتباط با ثبات مالی و مدیریت بانک است . رابنهارت و روگوف (۲۰۱۰) خاطر نشان می کنند که افزایش مطالبه های غیر جاری می تواند به عنوان نشانه ای از شروع بحران بانکی باشد در صورتی که بانک ها نتوانند مطالبات غیر جاری خود را از حد معینی پایین تر نگاه دارند ، در ارائه تسهیلات بانکی با مشکل روبرو شده و ثبات سیستم بانکی با تهدید مواجه خواهد شد . با افزایش مطالبه های غیر جاری از یک سو بخشی از منابع از چرخه توزیع در بخش مصارف بانک خارج می گردد و از دیگر سو با توجه به لزوم تخصیص ذخایر از پیش تعیین شده ، باعث تحمیل هزینه های گزاف به بانک می گردد از بعد دیگر با توجه به اینکه در نظام بانکداری اسلامی ، بانک ها به عنوان یک بنگاه اقتصادی بخش عمده ای از منابع جمع آوری شده را به وکالت از سوی سپرده گذاران به مصارف گوناگون اختصاص می دهند چنانچه در تخصیص این منابع قصوری مرتکب شوند شرعی و قانونی در مقابل موکلین مسئول خواهند بود از اینرو در صورتی که بتوان عامل تبیین کننده مطالبه های معوق را به روشنی تعیین نمود ، ابزار کارآمدی جهت کنترل این مساله و در نهایت کاهش ریسک در اختیار سیستم بانکی قرار خواهد گرفت.

بنا بر گزارش رئیس بانک مرکزی، مطالبات معوق بانکها در سال ۱۳۹۱ به رقم ۶۱۰ هزار میلیارد ریال رسیده است که ۸۴ درصد کل تسهیلات اعطایی و ۱۷/۳ درصد کل منابع سیستم بانکی است.

چنین رقم بزرگی تمامی دست اندرکاران سیاسی، اقتصادی و بانکی را به تکاپو می اندازد تا چاره ای بیابند و راهکارهایی اتخاذ نمایند. این راهکارها بر پایه آسیب شناسی کار و شناخت عوامل برون و درون سازمانی ایجاد مطالبه های معوق بانکهاست. مطالبه های سررسید شده و معوق از مصادیق بارز ریسک اعتباری و جزء دارایی های مساله دار بانکهاست.

حال به آثار منفی مطالبه های غیر جاری می پردازیم. این مطالبه ها چه تأثیری بر بانکها و بر اقتصاد دارد؟ این عدم بازپرداخت به موقع از چند منظر سودآوری بانک را تهدید می کند:

- ۱) درآمدهای پیش بینی شده در موعد مقرر حاصل نشده و بانک با مشکل تحقق درآمدی مواجه می شود.
- ۲) مدیریت نقدینگی بانک با اختلال مواجه شده و در شرایطی ممکن است بانک مجبور به تأمین مالی با نرخهای بالا شده و یا موجب منفی شدن حساب جاری بانک نزد بانک مرکزی و اجبار به پرداخت جرائم متعلقه شود که از این منظر نیز سودآوری بانک تحت تأثیر قرار می گیرد.
- ۳) طبق استانداردهای حسابداری بانکی، بانک موظف است که برای مطالبات غیر جاری ذخیره در حسابها منظور نماید و این امر سهامداران را از دسترسی به سودهای بانک محروم می نماید.
- ۴) هر چه حجم مطالبه های غیر جاری بیشتر باشد، حجم مطالبه های سوخت شده نیز بیشتر خواهد بود.

## ۲-۲- مطالعه های پیشین

مقالات بسیاری به بررسی ارتباط میان عوامل اقتصاد کلان و عملکرد سیستم بانکی باکیفیت تسهیلات بانکها پرداخته اند:

لوزیس و همکاران ( ۲۰۱۱ ) تأثیر عوامل اقتصاد کلان و عوامل مختص بانکی بر نسبت مطالبات غیر جاری در بین انواع مختلف وام (مصرف، تجاری، مسکن) در بانک های یونان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن ها نشان داد که نسبت مطالبه های معوق به کل تسهیلات اعطایی ( *NPLs* ) بانک با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی داشته و *NPLs* وام های تجاری قوی ترین تأثیر و وام های مسکن کمترین تأثیر را از *GDP* می گیرند، در حالی که نرخ بیکاری، نرخ سود واقعی و میزان تسهیلات اعطایی دارای تأثیرهای مثبت بر نسبت مطالبه های غیر جاری بانک ها می باشند. همچنین کیفیت مدیریت به عنوان عامل مختص بانکی دارای تأثیر منفی بر نسبت *NPLs* می باشد.

تارون خمرج (۲۰۰۹) با استفاده از *Panel Data set* با مطالعه بر روی تعدادی از بانک های کشور گوانا، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر روی مطالبه های معوق در بانک های مورد بحث پرداخت. به این نتیجه رسید که افزایش تورم رابطه مستقیم و افزایش رشد تولید ناخالص داخلی و حجم تسهیلات اعطایی رابطه منفی با حجم مطالبه های معوق بانک دارند.

سیدا (۲۰۰۶) در مطالعات خویش ارتباط بین مطالبات معوق با عوامل کلان اقتصادی و تجاری را در ۱۵ بانک تجاری بنگلادش مورد بررسی قرار داده است. ایشان به استناد مطالعات هیپولیته فوفک (۲۰۰۵) موضوع تسهیلات معوق را در تعدادی از کشورهای آفریقای جنوبی مورد ارزیابی قرار داده است. او با استفاده از روش های آماری و استفاده از *Panel Data* ارتباط معناداری بین رشد اقتصادی، تقویت ارزش واقعی پول، نرخ بهره واقعی، نرخ بهره بین بانکی و برخی عوامل اقتصادی دیگر یافته است. ایشان دریافتند با افزایش تولید ناخالص داخلی و با بالاتر رفتن درآمد سرانه مردم، حجم مطالبه های معوق بانک ها کاهش خواهد یافت. همچنین نرخ واقعی بهره و تورم هرچند در حجم مطالبه های معوق تأثیرگذار است اما به مراتب در مقایسه با رشد *GDP* تأثیر کمتری دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۰) اثر شاخص های کلان اقتصادی بر مطالبه های معوق بانک ها را مورد بررسی قرار دادند. بدین ترتیب آن ها به بررسی اثر شوک های کلان اقتصادی بر روی مطالبه های معوق بانک ها در دوره زمانی ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۷ پرداختند. برای این منظور در وهله اول از نمونه رویکرد خود بازگشتی با وقفه های توزیعی ( *ARDL* ) استفاده کردند. طبق نمونه های برآزش شده، تأثیر شوک متغیرهای اقتصادی که از اجرای سیاست های پولی و مالی نظیر تورم، رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت، حجم نقدینگی و نرخ سود تسهیلات به ترتیب به وجود می آید دارای بیشترین تأثیرها بر روی مطالبه های معوق سیستم بانکی نسبت به سایر متغیرهای کلان اقتصادی هستند.

ابوالحسنی (۱۳۸۹) به بررسی روند نسبت مطالبه های غیر جاری ارزی در بانک توسعه صادرات ایران در فاصله سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ و با تاکید بر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی پرداخته است. ایشان به بررسی اثر تحریم های بانکی و نوسان های برخی متغیرهای اقتصادی بر حجم مطالبه های معوق ارزی بانک توسعه صادرات ایران پرداخته و رابطه منفی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ

واقعی ارز و عدم رابطه معنی دار بین برخی متغیرها نظیر تورم، حجم تسهیلات اعطایی و اندازه بانک با نسبت مطالبه های غیر جاری را برآورد نموده است.

### ۳- متغیرهای مطالعه

نسبت مانده مطالبه های غیر جاری به مانده کل تسهیلات اعطایی :

این نسبت از تقسیم مجموع مانده مطالبه های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول بر مانده کل تسهیلات اعطایی به دست میآید. این نسبت نشان دهنده کیفیت تسهیلات اعطایی بانکهاست.

**کیفیت مدیریت: (بازده دارایی ها)** که از تقسیم سود خالص بر جمع داراییها به دست می آید .

عملکرد مدیران می توان از فعالیتهای تحقیق و توسعه، برنامه آموزشی، نوآوری و خلاقیت، اخذ استانداردها، نداشتن تعهدهای معوق، سودآوری سازمانها و ... به دست آورد. چنانچه انتخاب و انتصاب مدیران و کارشناسان اعتباری بر مبنای ظرفیت، توانمندی، تخصص و عملکرد صورت پذیرد، کیفیت تسهیلات اعطایی افزایش می یابد. کیفیت مدیریت به عملکرد و مهارت مدیران بانک در سودآوری و بازدهی بیشتر اشاره دارد: . که از تقسیم کل دارایی های هر بانک بر کل دارایی های سیستم بانکی به دست می آید.

**خطر اخلاقی:** که از نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده بانکها به دست می آید.

در نظام اعتباری چون منابع بانک بیشتر متعلق به سپرده گذاران بوده و بانک به عنوان وکیل و امین مردم منابع مزبور را در اختیار متقاضیان قرار میدهد، شناخت بانکداران درباره متقاضیان تسهیلات به توانایی بازپرداخت تسهیلات دریافتی، عملکرد و پیشینه ی فعالیت آنان قبل از موافقت و اعطای تسهیلات اهمیت بسزایی دارد. به علاوه اهمیت دستیابی به اطلاعات درباره متقاضی تسهیلات تنها به مرحله قبل از عقد قرارداد محدود نمی شود، بلکه نحوه اجرای مطلوب مفاد قرارداد، نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات و کیفیت اجرا و مدیریت پروژه پس از عقد آن نیز را در بر می گیرد. به علاوه عدم اطلاع بانک از نحوه استفاده از وام در مراحل گوناگون منجر به عدم سوددهی، غیرکارایی پروژه و یا محل مصرف تسهیلات گردیده و متضمن خطر جدی عدم بازپرداخت وام خواهد بود. این امر باعث می شود تا بانکها مجبور به تأمین مالی مجدد پروژه ها شده و بیش از توان اعتباری، تسهیلات پرداخت نمایند. شایسته است کارگزاران اعتباری در استفاده هرچه اصولی تر از منابع و کاستن خطرات احتمالی کوشا باشند.

**نرخ رشد تولید ناخالص داخلی:**

رشد تولید ناخالص داخلی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با قیمت آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث

به نسبت قیمت آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب میشود. هرگاه رشد تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد درآمد سرانه هم بالاتر بوده و توان پرداخت اشخاص نیز افزایش خواهد یافت.

تورم: از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت است. تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمتها در اقتصاد است.

### ۳-۱- فرضیه ها

فرضیه اول: رشد تولید ناخالص داخلی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

فرضیه دوم: افزایش تورم بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

فرضیه سوم: کیفیت مدیریت بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: خطرات اخلاقی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

### ۳-۲- روش انجام پژوهش و روش گردآوری داده ها:

این تحقیق از نظر روش، جزء تحقیق های همبستگی است که رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق، تحلیل میگردد. داده های اطلاعاتی مرتبط با بانکها (کل تسهیلات اعطایی، مطالبه های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول، جمع داراییها، سود خالص و میزان سپرده ها) از اطلاعات منتشره توسط موسسه عالی بانکداری ایران و اطلاعات مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی) از نماگرهای اقتصادی منتشره توسط بانک مرکزی استخراج شده است. برای محاسبه متغیرها و پردازش آنها از نرم افزارهای صفحه گسترده Excel کمک گرفته شده است.

### ۳-۳- روش تحلیل داده ها

در این مقاله رابطه بین شاخصهای مختص بانک (کیفیت مدیریت، خطر اخلاقی) و متغیرهای کلان اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم) با نسبت مطالبه های غیر جاری به کل تسهیلات اعطایی در بانک ها با استفاده از تحلیل های رگرسیونی ترکیبی و تلفیقی به صورت زیر بررسی شده است بر اساس مطالعه لویزیس و همکاران (۲۰۱۰) روش تحقیقی که به کار گرفته شد رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از داده های پانل (مدل ۱) میباشد

$$NPL_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{i,t} + \beta_2 Infi_{i,t} + \beta_3 MQI_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MHI_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (1)$$

به علت قابلیت های مورد نظر از روش های مطرح شده آماری، نرم افزار Eviews<sup>۶</sup> برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب شده است.

### ۴- تحلیل نتایج



#### ۴-۱- در فرضیه اول بیان شده است که رشد تولید ناخالص داخلی بر افزایش مطالبات غیرجاری

بانکها تاثیر دارد از این رو فرضیه به صورت زیر بررسی می شود.

H<sub>0</sub>: رشد تولید ناخالص داخلی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر ندارد.

H<sub>1</sub>: رشد تولید ناخالص داخلی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

جدول ۴-۱۳- آزمون همبستگی و آزمون t رشد تولید و مطالبات غیر جاری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	درجه آزادی	همبستگی پیرسون	آزمون t	Sig.(۲-tailed)
رشد تولید	مطالبات غیرجاری	۱۹۹	۰,۴۲۴	-۲,۵۴۲	۰,۰۱۴

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده جدول که از سطح معناداری ۰,۰۵ کوچکتر است، فرض صفر رد می شود. و همچنین ضریب همبستگی میان این دو متغیر ۰,۴۲۴ می باشد که نشان دهنده رابطه میان این دو متغیر است و چون سطح معنی داری از ۰,۰۵ کمتر است می توان گفت که بین رشد تولید و مطالبات غیر جاری رابطه معناداری وجود دارد و چون مقدار همبستگی پیرسون عددی مثبت و بین ۰ و ۱ می باشد بدان معناست که این رابطه مستقیم است و با توجه به مقدار آزمون  $t=۲,۵۴۲$  بدست آمده نشان از تاثیر گذاری رشد تولید بر مطالبات غیر جاری دارد.

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش های تحقیقات لوزیس و همکاران (۲۰۱۱)، خمرج (۲۰۰۹)، فوفک (۲۰۰۵)، حیدری و همکاران (۱۳۹۰) و ابوالحسنی (۱۳۸۹) که در پژوهش های خود بیان کردند که رشد تولید بر افزایش مطالبات غیر جاری تاثیر دارد مطابقت میکند.

#### ۴-۲- در فرضیه دوم بیان شده است که افزایش تورم بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد از

این رو فرضیه به صورت زیر بررسی می شود.

H<sub>0</sub>: افزایش تورم بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر ندارد.

H<sub>1</sub>: افزایش تورم بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

جدول ۴-۱۴- آزمون همبستگی و آزمون t تورم و مطالبات غیر جاری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	درجه آزادی	همبستگی پیرسون	آزمون t	Sig.(۲-tailed)
تورم	مطالبات غیرجاری	۱۹۹	۰,۴۱۶	۲,۴۱۷	۰,۰۲۲

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده جدول که از سطح معناداری ۰,۰۵ کوچکتر است، فرض صفر رد می شود. و همچنین ضریب همبستگی میان این دو متغیر ۰,۴۱۶ می باشد که نشان دهنده رابطه میان این دو متغیر است و چون سطح معنی داری از ۰,۰۵ کمتر است

می توان گفت که بین تورم و مطالبات غیر جاری رابطه معناداری وجود دارد و چون مقدار همبستگی پیرسون عددی مثبت و بین ۰ و ۱ می باشد بدان معناست که این رابطه مستقیم است و با توجه به مقدار آزمون  $t=2.417$  بدست آمده نشان از تاثیر گذاری تورم بر مطالبات غیر جاری دارد.

نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش های فوفک (۲۰۰۵)، حیدری و همکاران (۱۳۹۰) و بابوک و جانکر (۲۰۰۵) در یک راستا میباشد و با نتایج پژوهش ابوالحسنی (۱۳۸۹) مطابقت ندارد.

#### ۴-۳- در فرضیه سوم بیان شده است که کیفیت مدیریت بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد

از این رو فرضیه به صورت زیر بررسی می شود.

H: کیفیت مدیریت بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر ندارد.

H<sub>۱</sub>: کیفیت مدیریت بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

جدول ۴-۱۵- آزمون همبستگی و آزمون t کیفیت مدیریت و مطالبات غیر جاری

Sig.(۲-tailed)	آزمون t	همبستگی پیرسون	درجه آزادی	متغیروابسته	متغیر مستقل
۰,۰۱۷	-۱,۱۱۰	۰,۵۹۳	۱۹۹	مطالبات غیر جاری	کیفیت مدیریت

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده جدول که از سطح معناداری ۰,۰۵ کوچکتر است، فرض صفر رد می شود. و همچنین ضریب همبستگی میان این دو متغیر ۰,۵۹۳ می باشد که نشان دهنده رابطه میان این دو متغیر است و چون سطح معنی داری از ۰,۰۵ کمتر است می توان گفت که بین کیفیت مدیریت و مطالبات غیر جاری رابطه معناداری وجود دارد و چون مقدار همبستگی پیرسون عددی مثبت و بین ۰ و ۱ می باشد بدان معناست که این رابطه مستقیم است و با توجه به مقدار آزمون  $t=1.110$  بدست آمده نشان از تاثیر گذاری کیفیت مدیریت بر مطالبات غیر جاری دارد.

نتایج آزمون این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش های موسویان (۱۳۸۵)، برهانی (۱۳۸۹)، خمرجا و پاشا (۲۰۱۰) در یک راستا و با نتایج حاصل از پژوهش های لوزیس و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت ندارد.

#### ۴-۴- در فرضیه چهارم بیان شده است که خطرات اخلاقی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر

دارد از این رو فرضیه به صورت زیر بررسی می شود.

H: خطرات اخلاقی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر ندارد.

H<sub>۱</sub>: خطرات اخلاقی بر افزایش مطالبات غیرجاری بانکها تاثیر دارد.

جدول ۴-۱۶- آزمون همبستگی و آزمون t خطرات اخلاقی و مطالبات غیر جاری

Sig.(۲-tailed)	آزمون t	همبستگی پیرسون	درجه آزادی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰,۰۰۱	۱,۰۵۴	۰,۴۹۲	۱۹۹	مطالبات غیر جاری	خطرات اخلاقی

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده جدول که از سطح معناداری ۰,۰۵ کوچکتر است، فرض صفر رد می شود. و همچنین ضریب همبستگی میان این دو متغیر ۰,۴۹۲ می باشد که نشان دهنده رابطه میان این دو متغیر است و چون سطح معنی داری از ۰,۰۵ کمتر است می توان گفت که بین خطرات اخلاقی و مطالبات غیر جاری رابطه معناداری وجود دارد و چون مقدار همبستگی پیرسون عددی مثبت و بین ۰ و ۱ می باشد بدان معناست که این رابطه مستقیم است. با توجه به میزان آزمون  $t=1.056$  نشان از تاثیرگذاری خطرات اخلاقی بر مطالبات غیر جاری دارد.

نتایج حاصل از این آزمون با نتایج پژوهش های برگر و همکاران (۲۰۰۸)، لوزیس و همکاران (۲۰۱۱)، کربچه و پردل نوش آبادی (۱۳۹۰) و حیدری و همکاران (۱۳۹۰) که در پژوهش های خود بیان کردند که خطرات اخلاقی میتواند بر ایجاد مطالبات غیر جاری بانکهای تاثیر بگذارد می پردازند، مطابقت دارد.

## ۵- نتیجه گیری

فرضیه اول پذیرفته میشود و بیان میدارد که رشد تولید بر مطالبات غیر جاری تاثیر دارد اما برای بررسی نوع این تاثیر و رابطه آن باید ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شود که پس از محاسبات انجام شده نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه برابر با ۰,۴۲۴ شد و چون این عدد مابین ۰ و ۱ است، این ضریب نشان می دهد که رشد تولید و مطالبات غیر جاری با هم دارای رابطه ای از نوع مستقیم هستند یعنی رشد تولید بر مطالبات غیر جاری اثر گذار است و این اثر گذاری از نوع اثر گذاری مستقیم است. یعنی با افزایش رشد تولید، مطالبات غیر جاری نیز افزایش می یابد.

فرضیه دوم پذیرفته میشود و بیان می دارد که تورم بر مطالبات غیر جاری تاثیر دارد اما برای بررسی نوع این تاثیر و رابطه آن باید ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شود که پس از محاسبات انجام شده نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه برابر با ۰,۴۱۶ شد و چون این عدد مابین ۰ و ۱ است، این ضریب نشان می دهد که تورم و مطالبات غیر جاری با هم دارای رابطه ای از نوع مستقیم هستند یعنی تورم بر مطالبات غیر جاری اثر گذار است و این اثر گذاری از نوع اثر گذاری مستقیم است. یعنی با افزایش تورم، مطالبات غیر جاری نیز افزایش می یابد.

فرضیه سوم پذیرفته میشود و بیان می دارد که کیفیت مدیریت بر مطالبات غیر جاری تاثیر دارد اما برای بررسی نوع این تاثیر و رابطه آن باید ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شود که پس از محاسبات انجام شده نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه برابر با

۰,۵۹۳ شد و چون این عدد مابین ۰ و ۱ است، این ضریب نشان می دهد که کیفیت مدیریت و مطالبات غیر جاری با هم دارای رابطه ای از نوع مستقیم هستند یعنی کیفیت مدیریت بر مطالبات غیر جاری اثر گذار است و این اثر گذاری از نوع اثر گذاری مستقیم است. یعنی با افزایش کیفیت مدیریت ، مطالبات غیر جاری نیز افزایش می یابد.

فرضیه چهارم پذیرفته میشود و بیان می دارد که خطرات اخلاقی بر مطالبات غیر جاری تاثیر دارد اما برای بررسی نوع این تاثیر و رابطه آن باید ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شود که پس از محاسبات انجام شده نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون این فرضیه برابر با ۰,۴۹۲ شد و چون این عدد مابین ۰ و ۱ است، این ضریب نشان می دهد که خطرات اخلاقی و مطالبات غیر جاری با هم دارای رابطه ای از نوع مستقیم هستند یعنی خطرات اخلاقی بر مطالبات غیر جاری اثر گذار است و این اثر گذاری از نوع اثر گذاری مستقیم است. یعنی با افزایش خطرات اخلاقی ، مطالبات غیر جاری نیز افزایش می یابد.

## محدودیت های پژوهش

هر تحقیقی از ابتدای امر یعنی انتخاب موضوع تا مراحل اجرا و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری دارای محدودیت هایی است. این تحقیق نیز دارای موانع و محدودیت هایی است که در ذیل به آنها اشاره می کنیم.

✓ ابزار جمع آوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه بود با توجه به این که اصول پرسشنامه در ذات خود دارای محدودیت های فراوانی است و نمی تواند به صورت عمیق وارد نگرش ها و نظرات پاسخ دهندگان شود، با توجه به این امر و به دلیل همکاری نکردن برخی از اعضای نمونه و محدودیت های زمانی که محقق رو به رو بود امکان استفاده از روش های دیگر مانند مصاحبه وجود نداشت تا نتایج تحقیق بتواند از دقت بیشتری برخوردار باشد.

✓ عدم آگاهی برخی پاسخ دهندگان نسبت به مسائل مربوط به مطالبات غیر جاری و عوامل موثر بر آن.

✓ عدم همکاری مدیران در مورد پاسخگویی در مورد سوالات پرسشنامه و همچنین پایین بودن حوصله آنان در جواب دادن به سوالات.

## پیشنهادات

### پیشنهادات کاربردی

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات پیشنهادات زیر بیان میگردد:

۱. با افزایش رشد تولید ناخالص می توان از بروز مطالبات غیر جاری در بانکها جلوگیری کرد برای این منظور می توان با دادن تسهیلات کم بهره و قابل بازگشت به تولید کنندگان به آنها کمک کرد تا بتوانند محصولات تولیدی خود را به بازار عرضه کنند و رشد تولید خود را افزایش دهند تا بتوانند به موقع معوقات و مطالبات خود را به بانکها به پردازند.

۲. با توجه به اینکه تورم بر مطالبات غیرجاری بانک موثر است میتوان با اتخاذ تصمیمات ضد تورمی از جمله کاهش نقدینگی و تک نرخی کردن ارز و کمک به رونق بازار، اثرات این عامل را بر مطالبات غیر جاری بانکها کاهش داد.

۳. در فرضیه سوم بیان شد که کیفیت مدیریت بر مطالبات غیرجاری بانکها موثر است. برای این منظور پیشنهاد می شود تا مدیران بانکها و دستگاه های اجرایی مرتبط با بانک با فراگیری آموزش هایی در جهت افزایش توان مدیریتی، کیفیت مدیریت را در خود افزایش دهند تا از بروز این مشکلات جلوگیری به عمل آید.

۴. در فرضیه چهارم مسائل و خطرات اخلاقی مد نظر است که هر چه فرد از نظر اخلاقی بر خود مسلط باشد در نتیجه بهتر می تواند به امور رسیدگی کند و با تقویت این اخلاقیات در خود از بروز مشکلاتی از این قبیل جلوگیری به عمل آورد.

## پیشنهادات آتی

با توجه به جدید بودن موضوع به پژوهش گران توصیه می شود که در جهت انجام مطالعات زیر گام بردارند:

۱. پیشنهاد می گردد این پژوهش در کلیه بانکهای خاص نیز اجرا شود.
۲. پیشنهاد می گردد سایر عوامل موثر بر ایجاد مطالبات غیرجاری در بانکها نیز در پژوهش های بعدی سنجیده شود.
۳. پیشنهاد می گردد این پژوهش به سایر شهرها نیز تعمیم یابد.

## منابع:

امیرانی، محمدجعفر (۱۳۸۸) کالبدشکافی مطالبات معوق بانک های دولتی از سایت

<http://www.waft.ab.ir/articles/economy-market-business/bank-insurance>

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴) گزارش های منتشر نشده تهران: بانک مرکزی، اداره مطالعات و سازمان های بین المللی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک داده های سری های زمانی .

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی و گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، سال های مختلف .

بانک مرکزی ج.ا.ا. اداره مطالعات و مقررات بانکی(۱۳۸۴) اصول مدیریت ریسک اعتباری تهران اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ابوالحسنی م.(۱۳۸۹) بررسی اثر تحریم های بانکی و نوسانات برخی از متغیرهای اقتصادی بر حجم مطالبات معوق ارزی بانک توسعه صادرات ایران پایان نامه کارشناسی ارشد

پیروز فر، اکبر(۱۳۸۶) مطالبات معوق بانک های دولتی بانک و اقتصاد، شماره ۸۷، صص ۴۶-۴۹

حسن زاده، علی و پیمان حبیبی(۱۳۸۹) کالبدشکافی مطالبات معوق و راه های پیشگیری آن در سیستم بانکی کشور تازه های اقتصاد، شماره ۱۳۰، سال ۸ صص. ۹۸-۱۰۴

حیدری، هادی؛ زواریان، زهرا و ایمان نوربخش (۱۳۹۰) بررسی اثر شاخص های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک ها فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۴۳-۶۵

طیپی، سید کمیل (۱۳۸۷) اثرات بحران های سیستم بانکی بر رشد بخش های اقتصادی ایران مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری: ۱۸۱-۲۰۲

گزارش اداره کل پژوهش و نوآوری بانک صادرات ایران، آبان ماه ۱۳۸۶

گزارش سازمان بازرسی کل کشور، (مردادماه ۱۳۸۶)

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال های مختلف .

هاشمی نودهی، میر مجتبی (۱۳۷۷) بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات بانک مسکن طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۶ پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مدیریت علوم بانکی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران

Anthony and Kwame (۲۰۰۸). "Impact of macroeconomic indicators on stock market performance", *Journal of Risk Finance*, Vol. ۹, Issue ۴, pp.۳۶۵-۳۷۸.

Aremu, O., Suberu, J., and Oke, J., (۲۰۱۰). "Effective Credit Processing and Administration as a Panacea for Non-performing Assets in the Nigerian Banking System", *Kre Journal of Economics*, ۱ (۱), ۵۳-۵۶.

Baboucek, Ivan and M. Jancar (۲۰۰۵). "Effects of Macroeconomic Shock to the Quality of the Aggregate Loan Portfolio", *Czech National Bank, Working Paper Series*, No. ۱, PP. ۱-۶۲.

Bhaduri, S. (۲۰۰۲). "Determinants of corporate borrowing: some evidence from the Indian Corporate structure", *Journal of Economic and Finance*, Vol. ۲۶, ۲۰۰-۱۵.

Fofack, H., ۲۰۰۵. Nonperforming loans in Sub-Saharan Africa: causal analysis and macroeconomic implication. *World Bank Policy Research Working Paper*. ۱-۳۶

Gavin, M. and R. Hausmann (۱۹۹۶). "The Roots of Banking Crises: The Macroeconomic Context", *Inter-American Bank, Working Paper*, No. ۳۱۸, PP. ۱-۲۰.

Khemraj, T., Pasha, S., The determinants of non-performing loans: an econometrics case study of Guyana.

Louzis D. L., Vouldis, A. T., Metaxas V. L., (۲۰۱۱). Macroeconomic and bank-specific determinants of non-performing loans in Greece: A comparative study of mortgage, business and customer loan portfolios. *Journal of Banking & Finance* ۳۶, ۱۰۱۲-۱۰۲۷

Syeda, Zabeen Ahmed. April ۲۰۰۶. "An investigation of the relationship between Non-performing Loans, Macroeconomic Factors, and Financial Factors in context of private commercial Banks in Bangladesh," *Independent University, Banglade*

